

تفکر دینی و ماهیت جنبش ضد رژی

با تکیه بر نظرگاه امام خمینی (س)

محسن بهشتی سرشت^۱

حسین حاتمی^۲

چکیده: تعامل و تقابل نهاد روحانیت با سیاست و رویارویی علمای شیعه با حکومت یکی از مهم‌ترین مقولات اجتماعی و تاریخی در یک‌صد سال اخیر می‌باشد. واقعه «رژی» یا همان جنبش تنباکو که با فتوای مذهبی میرزای شیرازی به اوج رسید، توانست بر سلطه انگلیسی‌ها آسیب و خلل جدی وارد کرده و نظام استبدادی قاجار را به چالش جدی فراخواند. در چند و چون و ماهیت و خاستگاه این جنبش تاکنون تحلیلها و نظرات مختلفی از سوی متفکران و صاحب‌نظران حوزه تاریخ مطرح شده است. امام خمینی در مقاطع و موارد مختلف به حادثه «تنباکو» توجه ویژه مبذول داشته و آن را به عنوان سرفصل مهمی در تاریخ مبارزات مردم این سرزمین معرفی نموده است. این مقاله ضمن یادآوری نظرات مختلف پیرامون آن حادثه بر آن است تا بر تکیه بر مدارک گفتاری و نوشتاری امام خمینی به تبیین نظرات ایشان حول آن واقعه تاریخی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: علما، جنبش تنباکو، امام خمینی، استعمار، تشیع، اقشار اجتماعی.

درآمد

یکی از مسائل مهم و اساسی هر نوع جنبش سیاسی - اجتماعی مسأله ماهیت و محتوای اصلی آن است و از آنجا که بدهتاً پیرامون یک رویداد تاریخی، به دلیل تاریخی بودنش، تحلیل‌های متعدد و متفاوتی شکل می‌گیرد؛ بنابراین بیان محتوا و ماهیات متعدد در مورد یک جنبش سیاسی -

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. e-mail: beheshtiseresht@ikiu.ic.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ. e-mail: hatamy-varzaneh@yahoo.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۳۰ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۲ مورد تأیید قرار گرفت.

اجتماعی هم بسیار محتمل است. جنبش ضد رژی نیز از این امر مستثنا نیست و هنگام بحث از آن پرسشهای متنوعی دربارهٔ ماهیت اصلی آن به ذهن محقق خطور خواهد کرد. آیا باید این جنبش را یک جنبش ماهیتاً دینی به حساب آورد که اندیشه دینی بر آن غلبه داشت (کربلایی ۱۳۷۷: ۶۵ به بعد؛ هیدجی ۱۳۸۱: ۱۰۰ به بعد) یا اینکه هسته اصلی اعتراضات، تجار و بازرگانانی بودند که بیشترین آسیب را از انعقاد قرارداد می‌دیدند (آدمیت بی تا: ۳۸) و یا اساساً نیروهای داخلی فقط مجری تحریکات سفارت روسیه در تهران بودند و این دولت روسیه بود که در راستای رقابت سیاسی - اقتصادی‌اش با استعمار انگلیس موجبات بروز این اعتراضات را فراهم آورد (دولت آبادی ۱۳۶۱ ج ۱: ۱۰۵). آیا فعالیتهای سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و هواداران روشنفکرشان مسبب اصلی صدور فتوای تحریم شد (کدی ۱۳۸۵: ۷۲ به بعد) و یا اینکه هیچ‌کدام از اینها نبود بلکه حسادتها و دشمنیهای معاندین داخلی امین‌السلطان و در رأس همه کامران میرزا نایب‌السلطنه «بلوای رژی» را باعث شد (امین‌الدوله ۱۳۷۰: ۱۴۵ به بعد). آیا مجموعه‌ای از همه این عوامل دست به دست هم داد و موجب پدید آمدن حادثه دخانیه شد؟ برای پاسخ به این سؤالات با تفصیل بیشتری هر یک از این دیدگاهها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس سعی خواهد شد جایگاه تفکر دینی و نقش میرزای شیرازی با تکیه بر نظرگاه امام خمینی در میان آنها مشخص گردد. لازم است ذکر گردد که برای جلوگیری از حجیم شدن بیش از حد مقاله و همچنین دور نشدن از هدف اصلی تحقیق (ماهیت جنبش ضد رژی از نظرگاه امام خمینی^(س))، فرض نویسنده آشنایی خواننده با جزئیات مربوط به این جنبش و رویدادهای مرتبط با آن است.

در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا به همراه میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در سال ۱۸۸۹/۱۳۰۶، ماژور تالبوت یکی از سرمایه‌داران انگلیسی با دولتمردان همراه شاه گفتگوهای را جهت انعقاد قراردادی مبنی بر انحصار توتون و تنباکوی ایران آغاز کرد. وی توانست نظر شاه را نسبت به امضای قرارداد جلب کند و پس از بازگشت شاه به ایران متن قرارداد در ۲۸ رجب ۱۳۰۸/۲۰ مارس ۱۸۹۰ نهایی شد و به امضای طرفین رسید (کربلایی ۱۳۷۷: ۶۸). به موجب این قرارداد حق خرید و فروش کل محصول توتون و تنباکوی ایران به مدت پنجاه سال منحصراً در دست کمپانی رژی قرار گرفت و صاحبان امتیاز در عوض متعهد شدند که سالیانه مبلغ پانزده هزار لیره انگلستان به دولت ایران بپردازند (کربلایی ۱۳۷۷: ۶۵).

در زمان امضای قرارداد بخش قابل توجهی از جمعیت ایران یا تولیدکننده توتون و تنباکو بودند یا مصرف کننده و تاجر آن. به همین دلیل بدیهی بود که این امتیاز تأثیر مستقیمی در زندگی این قشر از مردم داشت و نخستین واکنش به امضای آن هم از همین قشر آغاز گشت.^۱ به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه موجب نارضایتی شده بود واژه انحصار (منوپل) و بار معنایی آن بود که کمترین حقی را برای اتباع ایرانی در خرید و فروش این محصول قائل نمی‌شد.

تا اینکه مردی یهودی از رعیت انگلیس آرنستین نام‌الشهر به رژی به این خیال افتاد که معامله تن/توتون/ و تنباکو را در کل ممالک محروسه ایران مخصوص و منحصر به خود گرداند که به کسی نفروشد و از احدی غیر از او نخرند ... شاه فرمانی صادر نمود. مفاد فرمان همیون/همایون/ آنکه امر تن [توتون] و تنباکو در هر مرز و بوم مخصوص این بدبخت شوم باشد. احدی از داخله و خارجه در این معامله مداخله ننماید. مشتمل بر شرایط کثیره و متضمن به الزامات عدایده حتی اگر رعیت به امر رضا ندهد» (هیدجی ۱۳۸۱: ۱۱۶).

اشاره به این نکته نیز در بحثهای آینده روشن‌تر خواهد بود که همه کارگزاران شرکت و بیشتر کارگران آن نیز فرنگی بودند و از بلاد کفر به سرزمین اسلامی آمده بودند. همچنین، گرچه طرف خارجی قرارداد بخش خصوصی انگلیس بود اما خواه ناخواه پای دولت این کشور و به ویژه سفارت انگلیس در تهران نیز به میان کشیده شد و حتی بسیاری بر این باور بودند که باطن امتیاز سیاسی بود تا تجاری. این قرارداد محصول رقابت دو دولت روسیه و انگلستان و به تبع آن سیاست موازنه مثبت دولت ایران در رابطه با دولتین بود (دولت آبادی ۱۳۶۱: ج ۱: ۱۰۵-۱۰۶). همه این عوامل ماهیت استعماری این امتیاز را از دیگر شاخصه‌های آن برجسته‌تر کرد و منجر به صدور فتوای تحریم تنباکو توسط مجتهد اعظم سامراء، میرزا محمد حسن شیرازی، شد. با انتشار خبر انعقاد امتیاز رژی نارضایتیهای گسترده و همه‌گیری در سراسر ایران بروز کرد که مشابه آن کمتر در تاریخ ایران دیده شده است. در اینکه علل و عوامل و ماهیت اصلی جنبش ضد رژی چه بود به طور عمده پنج دیدگاه وجود دارد که به صورت مختصر و موجز ذکر می‌شود.

۱. درباره نقش تنباکو در اقتصاد ایران بنگرید به: (آژند، ۱۳۶۷: ۳۷ به بعد).

۲. وی رئیس اداره دخانیات شرکت رژی در ایران، و صاحب اصلی امتیاز تالبوت بود.

۱) نقش روسیه در جنبش ضد رژی

مبنای تحلیل کسانی که نقش روسیه را در این رویداد برجسته کرده‌اند، رقابت این کشور با انگلستان بر سر منافع اقتصادی و سیاسی‌شان در داخل ایران بود. بر مبنای این تحلیل اگرچه امتیازنامه رژی با یک کمپانی خصوصی امضا شده بود، ولی به هر حال این کمپانی انگلیسی بود و در نهایت منافع استعماری دولت انگلستان را تأمین می‌کرد:

اگرچه ظاهراً امتیاز تجاری است ولی در باطن امتیازی سیاسی است. دادن این امتیاز کفه سیاست انگلیس بر سیاست روس در ایران بلکه در آسیای وسطا را می‌چرباند و روسها را به زحمت دست و پا زدن شدید می‌اندازد ... روسها کامران میرزا نایب السلطنه را به برانگیختن هر وسیله برای برهم زدن امتیاز مزبور وادار می‌نمایند. شاه را هم به همین وسیله و وسیله‌های دیگر باطناً از کرده خویش پشیمان می‌سازند (دولت آبادی ۱۳۶۱ ج ۱: ۱۰۶).

در همان زمان اوج اعتراضات، بسیاری عقیده داشتند که عامل اصلی شیوع این اعتراضها روسها هستند و آن را یک فصل از داستان رقابت دیرینه روس و انگلیس می‌دانستند (فووریه بی تا: ۳۴۲). به ویژه تصور می‌کردند شورشهای آذربایجان - که با روسیه هم‌مرز بود - مستقیماً از سوی این دولت هدایت شده و حتی شخص مجتهد تبریز را نیز در ارتباط با روسها می‌دانستند (ساسانی ۱۳۳۸: ۳۱۶). «روسها با امیر نظام که در این وقت پیشکار آذربایجان بود بلکه همکاره مملکت بود ساخته و با حاجی میرزا جواد مجتهد تبریزی نیز سر و سری داشتند» (اعتماد السلطنه ۱۳۵۷: ۲۲۰). روسها علاوه بر روابطشان با دولتمردان ایرانی و نیز رقابتشان با انگلیسی‌ها مدعی بودند که وضع انحصارجویانه امتیاز ناقض ماده یک منضم به عهدنامه ترکمنچای است و خواستار الغای آن بودند (کاظم زاده ۱۳۷۱: ۲۳۳).

اعظام الوزاره نیز پس از بیان رقابت دو دولت روس و انگلیس و تلاش روسیه برای الغای قرارداد می‌نویسد:

این قیام به دست مرموزی تبلیغ و تشویق می‌شد و چون جنبه دینی پیدا کرده بود یک مرتبه از هر طرف نغمه‌های مخالفت به شدت آغاز گردید... ما حالا برای خوانندگان عزیز آن دست تحریک کننده را به نام مجلس ضیافت عیناً درج می‌نماییم (اعظام قدسی ۱۳۷۹ ج ۱: ۶۲).

دست مرموزی که او از آن نام می‌برد همان سفارت روسیه در تهران بود و مجلس ضیافت نیز مهمانی سفیر روس با حضور دولتمردان ایرانی و سفرای خارجی مقیم تهران به علاوه آرنستین، رئیس اداره دخانیات کمپانی رژی، بود.

هنگامی که اعتراضات به اوج خود رسید سفیر روسیه از افراد مذکور دعوت کرد در مهمانی‌ای که به میزبانی او تدارک دیده شده بود شرکت کنند. در ابتدای مهمانی «پس از پذیرایی ورود ایشان، چون هنگام دور باده رسید، صاحب منزل، سفیر روس، خود ابتدا نموده، جامی پر از باده بدست گرفت و این عبارت بگفت: به سلامت اتفاق کلمه ملت اسلام؛ و لاجرعه نوش کرد» (کربلایی ۱۳۷۷: ۱۶۲).^۱

سفیر روس سپس سخنان مفصلی در مضرات انعقاد قرارداد رژی ایراد کرد. سفیر چنان با مهارت و مستدل سخن گفت که در پایان «تمامی سفر متوجه آرنستین تنباکویی شده می‌گویند سخنان این مرد دانشمند همگی درست و تمام است» (کربلایی ۱۳۷۷: ۱۶۴). اعظام الوزاره به استناد این مهمانی و سخنان سفیر روسیه، مسبب اصلی جنبش را روسیه می‌داند، ولی باید یادآور شد که مجلس ضیافت سفیر روسیه بعد از صدور فتوا بوده است.

در اینکه مجلس مورد بحث منعقد شده است و سفیر روسیه توانسته است سفرای دیگر را با خود هم رأی نماید، تردیدی نیست. همچنین بدون شک انعقاد قرارداد رژی منافع اقتصادی و سیاسی روسیه را در ایران به مخاطره می‌انداخت، اما این امر لزوماً به معنای رهبری پنهان جنبش به وسیله دولت روسیه نیست. حتی خود سفیر روسیه در این مهمانی به تأثیر غیر منتظره «دو کلمه در خصوص منع مسلمانان از این عمل» از «رئیس اسلامیان که به مراحل از ایران بیرون است» (کربلایی ۱۳۷۷: ۱۶۲) اذعان دارد و نیز اعظام الوزاره که کل جنبش را به تحریک «دست مرموز» می‌داند، اذعان می‌کند که جنبش «چون جنبه دینی پیدا کرده بود، یک مرتبه از هر طرف نغمه‌های مخالفت به شدت آغاز گردید» (اعظام قدسی ۱۳۷۹ ج ۱: ۶۲).

بنابراین به نظر می‌رسد به طور ناخواسته و غیر مقصود اهداف رهبران جنبش ضد رژی مقاصد دولت روسیه را نیز تأمین می‌کرد و پس از شروع اعتراضات سفیر روسیه آتش بیار معرکه شد.

۱. کربلایی شرح کامل سخنان سفیر روس را آورده است. ناظم الاسلام هم بی‌کم و کاست مطالب کربلایی را آورده است (کرمانی ۱۳۸۴ ج ۱: ۴۲).

۲) ماهیت تجاری و اقتصادی جنبش ضد رژی

مبنای این تحلیل این است که اصولاً ماهیت قرارداد رژی اقتصادی و تجاری بود و نه سیاسی. بنابراین ویژگی انحصاری آن بیشترین آسیب را به تجار و بازرگانان محصول تنباکو و توتون وارد می‌کرد. اصلی‌ترین هوادار این تحلیل فریدون آدمیت است. از نظر او «قضیه مهم تاریخی این است که امتیازنامه رژی صنف کاسب و بازرگان را برانگیخت، پس از آن مرجع تشیع، مسئولیت حکم ساختگی را به گردن گرفت و انحصارنامه را مردود اعلام کرد» (آدمیت بی تا: ۳۸). وی بر این باور است که اینکه انحصارنامه اعتراضات دسته جمعی را برانگیخت و به طغیان سیاسی رسید به دو علت بزرگ بود:

اول اینکه این امتیازنامه با رشته زندگی و نفع گروههای وسیعی از زارع و کاسب و تاجران تباط داشت... تنباکو از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران به شمار می‌رفت. قطع دست تجار را در این تجارت پرسود ممکن نبود آسان گرفت. دوم اینکه توتون و تنباکو را ماده مصرفی روزمره کمابیش یک چهارم جمعیت مملکت تخمین زده‌اند... انکارناپذیر نیست که قراردادنامه رژی، در زندگی جمع کثیری از مردم، خواه تولیدکننده خواه کاسب و سوداگر و خواه مصرف‌کننده توتون و تنباکو، تأثیر فعلی و محسوس داشت. لاجرم طغیان ضد رژی پدیده طبیعی بود (آدمیت ۱۳۶۰: ۱۳).

آدمیت در شورشهای شهرهای شیراز، اصفهان و تبریز نیز نقش اصلی را به تجار و کسبه می‌دهد و «ملایان» فقط «همراه جریان عمومی روان گشتند» (آدمیت ۱۳۶۰: ۳۸).

هواداران این تحلیل حتی مشارکت علما و روحانیان در این جنبش را نیز به خاطر پیوندها و منافع اقتصادی و سیاسی آنها می‌دانند:

در اصفهان که علما منافع مستقیم در اراضی خصوصی و وقفی کشت تنباکو داشتند، بیشتر علما با تاجران هم رأی شدند و تقاضای تحریم تنباکو کردند. اما در مشهد که درآمد علما به حکومت و حرم امام رضا متکی بود، آنان از امتیاز طرفداری می‌کردند (آفاری ۱۳۷۹: ۵۴).

در میان تجار مورد بحث حاجی محمد کاظم ملک التجار از همه فعال‌تر بود:

اعمال حاجی محمد کاظم ملک التجار بود که افروختن آتش فتنه و به باد دادن آبروی دولت و به خاک انداختن کار دخانیات به او نسبت داده می‌شد. حتی فتوای جناب میرزای شیرازی را به طریق موثق از مجعولات او گفتند که نسخه‌ها به هر سمت و هر ولایت منتشر کرده و به دست بهانه جوی هنگامه طلب انداخت (امین الدوله ۱۳۷۰: ۱۶۲؛ صفای ۱۳۶۳ ج ۲: ۶۳).

در اینکه آنی‌ترین تأثیر انعقاد قرارداد، به ویژه شرایط انحصاری آن، در زندگی تولیدکننده و مصرف‌کننده و تاجر توتون و تنباکو بود شکی نیست. به همین دلیل بدیهی بود که نخستین واکنشها هم از سوی آنان باشد و به این ترتیب هسته مرکزی و ابتدایی اعتراضات را صنف تاجر و کاسب تشکیل می‌داد. اما این امر نشانگر رهبری محض و بدون چون و چرای آنان در جنبش تنباکو نبود. تجار و بازرگانان آسیب‌دیده از قرارداد را آن نیرو و توانایی نبود که در برابر دربار بایستند. اگر هم آنان آغازگر جنبش بوده باشند، خود را ناگزیر از این می‌دیدند که تحت رهبری کسی قرار بگیرند که هم به لحاظ تئوری و هم به لحاظ عملی توانایی ایستادگی در برابر شاه را داشته باشد و در آن هنگام این کسی جز میرزای شیرازی نبود. حتی اگر بپذیریم که ملک التجار (به عنوان نماینده صنف تاجر و کاسب) جاعل فتوا بود، بدون انتساب آن به میرزای شیرازی هرگز نمی‌توانست کاری از پیش ببرد.

۳) نقش روشنفکران اصلاح طلب در جنبش ضد رژی

سومین تحلیل از ماهیت جنبش تنباکو در صدد برجسته کردن نقش «عنصر اصلاح طلب» در اعتراضات ضد رژی است. تأکید عمده نیز روی سید جمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و هواداران روشنفکرشان است. ورود سید جمال‌الدین اسدآبادی دقیقاً وقتی آغاز شد که حکومت شیراز، سید علی اکبر فال اسیری، از روحانیان معترض به قرارداد رژی را به بوشهر و از آنجا به بصره تبعید کرد. از قضا در همان هنگام سید جمال‌الدین رنجیده خاطر از دولت ایران نیز در بصره به سر می‌برد. در بصره فال اسیری و سید «با هم ملاقات و کنکاش کردند» (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۷: ۲۱۸؛ ساسانی ۱۳۳۸ ج ۲: ۲۱۵) و «سوته دلان گرد هم آمدند. هرچه را حاجی سید علی اکبر از دور شنیده بود و جمال‌الدین به مکاشفات و عیانات خود بیان و به آتش او دامان زد» (امین الدوله ۱۳۷۰: ۱۴۳). در این ملاقات فال اسیری ماجرای اعتراضات شیراز و تبعید خودش از شیراز توسط

حکومت را برای سید شرح داد و سید جمال «چون از امور پلتیکی باخبر بود و بیانی رشیق داشت کاغذی به سامرا به میرزای شیرازی نوشت» (ساسانی ۱۳۳۸ ج ۲: ۲۱۵). نامه به زبان عربی بود و «مطلع آن سوز دل و آفت جان و مقطع آن رنج تن و خون جگر» (امین الدوله ۱۳۷۰: ۱۴۳). در این نامه سید جمال، ضمن یادآوری جایگاهی که میرزای شیرازی داشت، نوشته بود:

ملت ایران با همه سختی که دامنگیرش گشته، مشکلاتی که سبب شده است
کفار بر کشور اسلامی دست یافته و بیگانگان به حقوق مسلمانان دست
بیندازند، با این حال تو را ساکت دیده و می بینند با مسئولیت بزرگی که به
عهده داری به یاری آنها بر نمی خیزی ... ایرانیان همگی مات و مبهوت مانده
از هم می پرسند: چرا حضرت حجت الاسلام در مقابل این حوادث سکوت
نموده؟ کدام پیشامد ایشان را از یاری دین باز داشته؟ (رجبی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۰۶؛
محیط طباطبایی ۱۳۵۰: ۱۹۷).

وی سپس به قراردادها و امتیازات واگذار شده به انگلیس مانند «خطوط شوسه، تنباکو، جمع آوری انگور، رود کارون، بانک و غیره ...» اشاره می کند و ادامه می دهد که «نصف دیگر مملکت را به عنوان حق السکوت به دولت روسیه داده، اگر ساکت شود» (رجبی ۱۳۸۴ ج ۱: ۲۰۷). سید جمال سرانجام با ذکر مصائب خود به سید علی اکبر فال اسیری، ملا فیض الله دربندی، میرزا رضای کرمانی، حاج سیاح محلاتی و میرزا ذکاء الملک فروغی می نویسد: «و علمت ان الله التعالی سیحدث بیدک امرا / و می دانم خدا به دست تو گشایشی خواهد کرد»^۱. نمی توان به طور قطعی اظهار نظر کرد که این نامه تا چه میزان در صدور فتوای تحریم مؤثر بوده است. در منابع تاریخی نیز نظریات متضادی از تأثیر قطعی تا نفی کامل تأثیر نامه سید جمال به چشم می خورد.^۲

با وجود این، همانندیه‌های گلایه‌های تلگراف اول میرزا به شاه با گلایه‌های نامه سید به میرزای شیرازی جالب توجه است (کدی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۱۷)، به ویژه آنجا که سید از بانک نام می برد و اعطای امتیاز تأسیس آن را در ایران منافی با احکام شریعت می داند (آبادیان ۱۳۷۶: ۱۰۴). به نظر می رسد

۱. برای اطلاع بیشتر از متن نامه ر.ک. به: (محلاتی ۱۳۶۸ ج ۲: ۲۸).

۲. برای مشاهده این دیدگاهها بنگرید به: (اعتماد السلطنه ۱۳۷۷: ۷۸۳؛ ۱۳۵۷، ۲۱۸؛ ساسانی ۱۳۳۸ ج ۱: ۲۱۰؛ روزدری ۱۴۰۹: ۴۲؛ آدمیت ۱۳۶۰: ۲۸).

درخواست میرزا از شاه در تلگراف اول خود برای لغو کلیه امتیازات واگذار شده، بدون تأثیر از نامه سید که در آن کلیه امتیازات واگذار شده «فروختن کشور به کفار» نامیده شده بود، نباشد. رنجیده خاطر بودن سید از شاه و ملاقات او با فال اسیری که چندی بعد راهی سامره شد و نیز اشتها او در آن هنگام به علاوه این همانندیها، احتمال تأثیر این نامه را در صدور فتوا تقویت خواهد کرد.

۴) تصفیه حسابهای داخلی

تصفیه حسابهای داخلی میان دولتمردان و درباریان هم از عوامل موجد نهضت تنباکو ذکر شده است. محور اصلی این تحلیل رقابتها و عداوتهای کامران میرزا نایب السلطنه و میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم است. کامران میرزا که به موقعیت صدر اعظم رشک می برد، بانی اصلی قرارداد را امین السلطان می دانست و از نظر او لغو امتیازنامه جایگاه او را به شدت متزلزل می کرد. بدین ترتیب دست به تلاش گسترده ای زد تا قرارداد رژی لغو گردد (امین الدوله ۱۳۷۰: ۱۴۵؛ هدایت ۱۳۶۳: ۱۱۷). البته احتمال تحریک او از سوی روسها نیز نفی نشده است:

کارکنان روس دست از کار نمی کشند تا کامران میرزای نایب السلطنه را به ضدیت نمودن وادار نمایند... کامران میرزا علاوه بر منافع شخصی که شاید در این مخالفت نمودن دارد، غلبه بر خصم را غنیمت شمرده، پای بعضی از روحانیون و اشخاص کارکن را از تجار و غیره به میان آورده، در زیر یک پرده نازک که خود او دیده نشود، به عملیات مخالف می پردازد. کامران میرزا، آقا میرزا حسن آشتیانی را با خود همراه می کند و... (دولت آبادی ۱۳۶۱ ج ۱: ۱۰۷).

از نظر معتقدین به این تحلیل، تلاشهای کامران میرزا سرانجام به مخالفتهای گسترده روحانیون و تجار و نهایتاً سایر مردم منجر شد.

قبل از اشاره به سهم تفکر دینی و مرجعیت شیعه در جنبش تنباکو لازم است به این نکته نیز اشاره گردد که تعداد اندکی از منابع بدون در نظر گرفتن محتوا و مفاد امتیازنامه و تبعات سیاسی احتمالی اش، انعقاد آن را کمک مؤثری برای اقتصاد فقیر ایران دانسته اند و اساس جنبش را (به هر علت و انگیزه ای که بوده باشد) زیر سؤال برده اند. مهم ترین آنها مخبرالسلطنه هدایت است:

از نظر سیاست و اقتصاد نمی‌شود گفت که آن امتیاز مضر بود. از جهت تجارت و زراعت منافی حاصل می‌شد و سرمشقی در آداب اداره به دست می‌آمد ... و اگر امتیاز به هم نمی‌خورد منافع داشت. اصلاح زراعت توتون، تعلیمات اداری، تجارت خارجی ... (هدایت ۱۳۶۳: ۱۱۸ - ۱۱۷).

هدایت سپس ادامه می‌دهد که «امتیاز به هوای چند نفر تاجر و اختلاف بین کامران میرزا و امین السلطان بر هم خورد» (هدایت ۱۳۶۳: ۱۱۷ - ۱۱۸). همچنین در این زمینه تحلیل شده است که:

به موجب این قرارداد سالی پانزده هزار لیره انگلیسی حق الامتیاز به دولت ایران عاید می‌شد و یک چهارم منافع خالص کمپانی هم متعلق به دولت ایران بود و این برای بودجه فقیر و محدود ایران کمک مؤثری به شمار می‌آمد و جز این حقوق زارع تنباکو و فروشندگان به نحو احسن تأمین شده بود و به زارعان تنباکو وامهای سهل داده می‌شد. به بازرگانان هم حق داده شد که ظرف شش ماه با کمپانی شریک شده از سهام کمپانی خریداری نمایند یا نمایندگی کمپانی را قبول کنند (صفایی ۱۳۶۳ ج ۲: ۶۲).

اما باید گفت که هیچ‌کدام از بندهای قرارداد طرف انگلیسی را متعهد به «تعلیم آداب اداره» و «اصلاح زراعت» زارعان ایرانی نکرده بود. از طرف دیگر شرایط انحصاری قرارداد حقی برای «اداره» کردن توسط طرف ایرانی قائل نبود تا آنها آداب آن را تعلیم ببینند؛ و اینکه سالیانه پانزده هزار لیره حق الامتیاز به دولت ایران عاید می‌شد:

حرفی سست است، به علت اینکه دولت عثمانی، در حالتی که توتون ممالک محروسه عثمانی [خیلی کمتر از محصول تنباکو و توتون ممالک ایران است، سالیانه از اداره رژی یعنی انحصار، معادل هفتصد هزار لیره عثمانی می‌گیرد. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا (کربلایی ۱۳۷۷: ۷۰).

۵) تفکر دینی و نظرگاه امام خمینی (س)

اما تفکر دینی در این میان چه جایگاهی دارد و امام خمینی با توجه به اشارات مکررش به این جنبش در مورد ماهیت اصلی آن چه دیدگاهی دارد؟ به نظر می‌رسد در میان این گوناگونی و تعدد تحلیلها و نظرها که هر کدام از آنها برای اثبات خود، دلایل نسبتاً قانع کننده‌ای دارند، نتوان میزان و دامنه تأثیر هر یک از آنها را در جنبش ضد رژی به طور قطع مشخص کرد. اما همان‌گونه

که پیش از این نیز اشاره رفت روشن است که صدور تحریم تنباکو را از سوی هر کسی بدانیم و محرک اصلی اعتراضات گسترده را نیز هر کسی بشناسیم، در نهایت صبغه دینی جنبش از همه جنبه‌های دیگرش برجسته‌تر است.

در تمامی تلگرافها و نامه‌های رد و بدل شده میان میرزا و سایر افراد دخیل در جنبش، وی هدف اصلی را جلوگیری از «مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت» و «ممانعت از مخالطه و تودد آنها با مسلمین» اعلام کرده بود (کربلایی ۱۳۷۷: ۸۵؛ کرمانی ۱۳۸۴: ۲۴؛ هیدجی ۱۳۸۱: ۱۲۱). از نظر او تنها راه رسیدن به این هدف در آن هنگام لغو کامل امتیازنامه رژی بود و مهم آن بود که «مرجع تشیع با تکذیب نکردن صدور حکم و فتوا خدمت مؤثر و مهم خود را به حرکت عمومی به جا آورد» (آدمیت ۱۳۶۰: ۷۷). علاوه بر این در اوج اعتراضات علناً «در همه جا علما پیش گام بودند» (کسروی ۱۳۸۵: ۲۳) و این بیشتر به دلیل مقبولیت مردمی و این ویژگی آنان بود که دارای یک تشکیلات غیر رسمی خاص بودند که به آنان امکان می‌داد به صورت «شبکه‌ای از روحانیون از صدر، یعنی میرزای شیرازی تا مراجع شهرهای بزرگ و روحانیت حاضر در میان مردم جنبش را رهبری کنند» (فوران ۱۳۸۲: ۳۵۵). استفاده از تلگراف نیز ارتباط اعضای این شبکه را تسهیل کرد و گفته‌های مراجع در یکایک شهرها از طریق روحانیون به توده مردم منتقل می‌گردید (فوران ۱۳۸۲: ۳۵۵). بنابراین بدون تردید موجد اصلی حرکت عمومی در جنبش ضد رژی، تفکر دینی و حضور و تأیید مرجعیت تامه عالم تشیع بود و درست از همین روست که امام خمینی به عنوان مرجع بلندآوازه شیعه و رهبر انقلاب اسلامی بارها و بارها در گفته‌ها و نوشته‌های خود به عنصر تفکر دینی و مرجعیت شیعه و نقش آن در نهضت تحریم تنباکو اشاره کرد و عمل میرزای شیرازی در دست زدن به چنین اقدامی را کاملاً مورد تأیید قرار داد. امام خمینی بدون آنکه عوامل ثانوی جنبش ضد رژی را نفی کند، عامل اصلی خروش مردم بر علیه استبداد و استعمار را فتوای چند کلمه‌ای میرزای شیرازی به عنوان مرجع تامه شیعه می‌داند:

قضیه تنباکو، در زمان مرحوم میرزا، به اینها فهماند که با یک فتوای یک آقایی، که در یک ده در عراق سکونت دارد، یک امپراتوری را شکست داد و سلطان وقت هم با همه کوششی که کرد برای اینکه حفظ کند آن قرارداد را نتوانست حفظ بکند؛ و مردم ایران قیام کردند و شکستند آن پیمانی که آنها داشتند. این یک تجربه‌ای شد برای آنها که ببینند یک آقایی در یک ده وقتی یک کلمه می‌نویسد که «امروز استعمال تنباکو در حکم

محاربه با امام زمان است» و این موجش می‌آید همه ایران را فرامی‌گیرد، به طوری که شاه مستبد با آن قدرت را می‌کوبد، قلم این آقا می‌کوبد آن سرنیزه‌های آن روز را (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۸: ۴۵۱).

ایشان همچنین موفقیت این جنبش را ناشی از قدرت، نفوذ و مقبولیت مرجعیت شیعه، به‌ویژه شخص میرزای شیرازی می‌دانند:

در قریب صد سال سابق دیدند که یک پیرمردی در یکی از دهات عراق «سامره» وقتی که دید ایران در معرض فشار خارجی‌ها ... یک سطر نوشت و همه قوای خارج و داخل نتوانستند در مقابل این یک سطر استقامت کنند. آن، مرحوم میرزای بزرگ بود — رحمه الله — که در سامره تحریم کرد تنباکو را برای اینکه تقریباً ایران را در اسارت گرفته بودند به واسطه قرارداد تنباکو. و ایشان یک سطر نوشت که تنباکو حرام است. و حتی بستگان خود آن جائر [ناصرالدین شاه] هم و حرمسرای آن جائر هم ترتیب اثر دادند به آن فتوا و قلیانها را شکستند. و در بعضی جاها تنباکوهایی که قیمت زیاد داشت در میدان آوردند و آتش زدند و شکست دادند بر آن قرارداد، و لغو شد قرارداد. و یک همچو چیزی را اینها دیدند که یک روحانی پیرمرد در کنج یک دهی از دهات عراق یک کلمه می‌نویسد و یک ملت قیام می‌کند و قراردادی که مابین شاه جائر و انگلیسی‌ها بوده است، به هم می‌زند، و یک قدرت این طوری دارد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱۳: ۳۵۸-۳۵۷).

تاریخ یک درس عبرت است برای ما ... مرحوم میرزا که دخانیات را تحریم فرمود، شیاطین افتادند و در بین مردم و به آنجا رساندند که بعضی از اهل علم بعضی از شهرها بالای منبر — به طوری که نقل می‌کنند — قلیان کشید بر ضد حکم مرحوم میرزا. لکن میرزا چون قدرتش فوق العاده بود ... نتوانستند آنجا کاری بکنند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱۸: ۱۷۱).

البته بدیهی است منظور امام از «قدرت فوق العاده» قدرت و مقبولیت مذهبی میرزا بود که ناشی از مقام مرجعیت دینی اوست.

در مورد ماهیت جنبش ضد رژی دو نکته اساسی در خور ذکر و امعان نظر است: یکی دخالت آشکار و مستقیم مرجعیت دینی در یک امر سیاسی و دیگری ماهیت ضد استعماری حکم میرزای شیرازی است و درست از همین جاست که امام خمینی به عنوان مرجعی که رهبر و نظریه پرداز

یک انقلاب اساساً دینی است که جوهره اصلی آن امتزاج و اختلاط دیانت و سیاست است، تمام و کمال از حکم میرزا دفاع می‌کند و با افتخار و بیانی عبرت‌انگیز آن رویداد تاریخی را متذکر می‌گردد:

باید ملت اسلام بدانند خدمت‌هایی که علمای دین به کشورهای اسلامی در طول تاریخ کرده‌اند قابل‌شمارش نیست. در همین اعصار اخیر، نجات کشور از سقوط قطعی مرهون مرجع وقت «مرحوم میرزای شیرازی» و همت علمای مرکز بود. حوزه‌های علمیه و علمای اعلام همیشه حافظ استقلال و تمامیت ممالک اسلامی بوده‌اند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲: ۳۹۷).

ایشان قیام و مقاومت را مختص زمان و مکان یا فرد خاصی نمی‌دانند بلکه آن را از ویژگی‌های «ذاتی تشیع» می‌داند و موجب حرکت و رفتار صاحب فتوای تحریم تنباکو را نیز در چهارچوب همین ویژگی جستجو می‌کند:

یکی از خصصیت‌های ذاتی تشیع، از آغاز تاکنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد؛ هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطع‌های زمانی بوده است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۵: ۴۰۷).

البته قیام و مقاومت مورد اشاره امام خمینی حرکتی بی‌برنامه، بی‌هدف، کور یا به منظور برهم زدن آرامش و امنیت جامعه نیست، بلکه این قیام و جوشش، زمانی صورت خواهد گرفت که کیان جامعه اسلامی به صورت جدی در معرض خطر قرار گیرد. ایشان هم در مورد قیام تنباکو همین تحلیل را دارد:

همیشه علما و زعمای اسلام ملت را نصیحت به حفظ آرامش می‌کردند. خیلی از زمان «میرزای بزرگ»، «مرحوم حاج میرزا محمد حسن شیرازی» نگذشته است؛ ایشان با اینکه یک عقل بزرگ متفکر بود و در سامره اقامت داشت، در عین حالی که نظرشان آرامش و اصلاح بود، لکن وقتی ملاحظه کردند برای کیان اسلام خطر پیش آمده است و شاه جائز آن روز می‌خواهد [به] وسیله کمپانی خارجی، اسلام را از بین ببرد، این پیرمرد که در یک شهر کوچک نشسته و سیصد نفر طلبه بیشتر دورش نبود، ناچار شد سلطان مستبد را نصیحت کند. مکتوبات او هم محفوظ است. آن سلطان گوش نمی‌داد و با تعبیرات سوء و بی‌ادبی به مقام شامخ عالم بزرگ روبه‌رو شد تا آنجایی

که آن عالم بزرگ مجبور شد یک کلمه بگوید که استقلال برگردد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱: ۱۱۴).

در اندیشه سیاسی امام خمینی در صورت بروز وضعیت یا وقوع رویدادی که در آن استقلال و تمامیت ارضی جامعه اسلامی یا مبانی و اصول اساسی شرع، که در صورت فقدان آنها بیم اضمحلال و استیصال اسلام برود، در خطر باشد در این حالت نه تنها یک عالم و مرجع دینی نباید ساکت بنشیند بلکه بر او واجب است که نهایت تلاش خود را در برطرف کردن چنین وضعیتی به کار ببرد:

اگر سکوت علماء دین و رؤسای مذهب باعث آن شود که ستمکاران در ارتکاب سایر محرمات و پدید آوردن بدعتها جری شوند، سکوت آنان حرام و انکارشان واجب است ... اگر در سکوت علما دین و رؤسا مذهب خوف آن باشد که منکر، معروف و یا معروف، منکر شود واجب است بر آنان علم خود را اظهار کنند و سکوت برای آنان جائز نیست هر چند که یقین دانسته باشند که انکارشان هیچ تأثیری در فاعل آن ندارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۵۳۸ - ۵۳۷).

از منظر امام خمینی در سالهای دهه اول سده چهاردهم هجری دقیقاً چنین وضعیتی برای جامعه اسلامی ایران روی داده بود و میرزای شیرازی به درستی و به موقع حکم خود را صادر و از حرکت عمومی مردم قاطعانه حمایت کرد. نمود آشکار این وضعیت هم هجوم بی‌محابا و همه جانبه استعمار در قضیه تنباکو به ساختار اقتصادی جامعه اسلامی ایران بود. عباس میرزا ملک آرا در توصیف چنین وضعیتی می‌نویسد پس از امضای قرارداد «انگلیسیان هم به ایران آمده مانند دولتی که ایران را فتح کرده باشد به بلاد مأمورین فرستادند» (ملک آرا ۱۳۶۱: ۱۸۲). چنین توصیفی نمایشگر این است که قرارداد رژی فراتر از یک امتیاز نامه صرفاً تجاری بود و همچنین نافی تحلیل کسانی است که قرارداد تالبوت را عاری از اهداف سیاسی و استعماری دانسته‌اند. با این وصف و همچنین آگاهی از ضعف و سستی ویرانگر دربار قاجار در برابر استعمار غرب، تنها این تفکر دینی و «حکم نیم سطری» مرجع تامه شیعیان بود که در ماجرای نهضت تنباکو توانست عامل استعمار را از نیل به اهدافش محروم کند:

ابر جنایتکاران که ادامه حیات خویش را در اسارت ملت‌ها بویژه ملت‌های اسلامی می‌دانند در این سده‌های اخیر که راهشان به کشورهای اسلامی نفتخیز و ثروتمند باز شد، دریافتند که تنها «قشر مذهبی» است که می‌تواند خارِ راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد. و دیدند که حکم نیم سطری

یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو در آورد (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱۶: ۱۹۳).

امام آشکارا یکی از شاخصه‌های اصلی حرکت عمومی مردم به رهبری میرزای شیرازی را ماهیت استعمار ستیز آن می‌دانست چرا که:

اینها فروخته بودند ایران را به خارجی‌ها. و میرزای شیرازی — رضوان الله علیه — امر فرمود و سایر علمای ایران جانفشانی کردند و زجر کشیدند، زحمت کشیدند، قیام کردند، مردم را به قیام واداشتند تا اینکه لغو/شد/ (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۳: ۲۴۱).

امام خمینی اصولاً یکی از موانع رشد و ترقی جوامع اسلامی را گرفتاری خارجی یا همان استعمار می‌دانست. از همین روست که در سراسر دوران انقلاب اسلامی نیز از هر فرصتی برای تأکید بر ماهیت استعمار ستیز هر انقلاب اصیل و مردمی بهره می‌برد:

ابتلای ما اساسش اجانبند، و این ابتلایی نیست که تازه ما پیدا کرده باشیم؛ این خیلی تاریخ قدیمی دارد که از آن وقتی که اینها راه پیدا کردند به ایران، به شرق، و مطالعات کردند در حال شرق، از آن وقت اینها فهمیدند که یک لقمه چربی است شرق و دارای مخازن و معادن است و باید این را به هر طوری که هست، این طعمه را به هر طوری که هست باید اینها ببرند و نگذارند که مردم خود آن دیار استفاده از آن بکنند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۴: ۹۷).

از آنجا که جنبش ضد رژی هم ماهیتی ضد استعماری داشت در تفکر سیاسی امام جایگاه ویژه‌ای داشت. این جایگاه تا اندازه‌ای برای امام اهمیت داشت که نهضت تنباکو را یکی از عوامل و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی می‌دانست. ایشان در پاسخ به سؤال یک خبرنگار ایتالیایی که در سال ۱۳۵۷ از ایشان پرسید چه عواملی موجب یک رنسانس معاصر شیعی گردیده است؟ گفت: در صد سال [اخیر] حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است؛ انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۵: ۴۰۷).

حکم میرزای شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی
تعریف خاصی دارد. از نظرگاه ایشان این حکم نه یک فتوای ساده که تنها واجب‌الاتباع برای
مقلدین میرزا باشد و نه یک حکم ساده قضایی بود بلکه:

حکم مرحوم میرزای شیرازی در حرمت تنباکو چون حکم حکومتی بود
برای فقیه دیگر هم واجب‌الاتباع بود و همه علمای بزرگ ایران جز چند نفر
از این حکم متابعت کردند. حکم قضائی نبود که بین چند نفر سر موضوعی
اختلاف شده باشد و ایشان روی تشخیص خود قضاوت کرده باشند. روی
مصلح مسلمین و به عنوان ثانوی این حکم حکومتی را صادر فرمودند و تا
عنوان وجود داشت این حکم نیز بود و با رفتن عنوان حکم هم برداشته شد
(امام خمینی ۱۳۶۳: ۵۸).

دقت در آرای امام خمینی در مورد جنبش تنباکو نمایانگر این واقعیت است که اگرچه ایشان
محور و مرکز اصلی این جنبش را تفکر دینی و مرجعیت تامه تشیع می‌داند، اما به هیچ وجه از توده
عظیم مردمی که حکم میرزا را گردن نهادند و قلبانها را شکستند و در حقیقت بدنه اصلی قیام را
تشکیل می‌دادند غافل نبود:

میرزا، یک آقای مرجع بود در یک دهی از عراق، او نمی‌توانست که
خودش یا طلبه‌هایی که آنجا دارند بسیج کنند برای مقابله با آن سلطنت
استبدادی. او حکمی فرمود، علمای بلاد هم نمی‌توانستند خودشان راه بیفتند
و این استبداد سیاه را بشکنند. این بازار و ملت بود که پشتیبانی از مراجع
خودشان می‌کردند، از علمای خودشان می‌کردند و آنهایی که به راه استبداد
می‌رفتند، آنها را به زمین می‌زدند (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱۷: ۲۷۱).

دقیقاً به همین دلیل، به قول ادوارد براون «وفاداری و خویشن‌داری مردمی که فرمان این رهبر
روحانی را گردن نهادند از قدرت توصیف و ستایش آدمی بیرون است» (براون ۱۳۸۰: ۶۴).
در این میان امام به درستی بر نقش اساسی تجار و بازار در پیشبرد حرکت عمومی مردم تأکید
کرد: «در قضیه تنباکو و حکم مرحوم میرزای شیرازی - اعلی الله مقامه - این بازار بود که
همراهی کرد و منتهی به قیام شد» (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱۷: ۲۷۰).

اگر در اصلی‌ترین نتیجه جنبش ضد رژی، یعنی افزایش قدرت و نفوذ روحانیون و ضعف و سستی دستگاه استبداد دقت کنیم، خواهیم دید تا چه اندازه دیدگاه امام خمینی، مبنی بر ماهیت دینی و مذهبی نهضت تنباکو به واقعیت نزدیک است. پس از شورش مردم تهران:

شاه به تدارک قضیه برخاست و هر چه کرد در انتظار خلق به قوت علما افزود و از اعتبار و اقتدار سلطنت کاست. مثلاً کنت دمنت فرت، نظم الملک، از وزارت پلیس معزول شد، همه گفتند از ترس ملاها است. رفع و منع ظلم و جور مباشرین و استحکام و انتظام آئین معدلت و تشدید اساس دیوان عدلیه تأکید می‌شد، می‌گفتند به خاطر ملاها است (امین الدوله ۱۳۷۰: ۱۵۶-۱۵۵).

احوال ولایات و اقطاع ایران خوب نبود. حکام در مقابل قدرت ملاها و رؤسای قبایل به ضعف و فتوری می‌زیستند که مجتهدین ائمه جماعت بلکه طلاب مدارس به شرف عمامه در شهرها حکمران بودند (امین الدوله ۱۳۷۰: ۱۷۱).

اگر از محتوای کنایه‌آمیز جملات امین الدوله بگذریم، اذعان او به ارتقای منزلت و جایگاه اجتماعی روحانیان کاملاً آشکار است. افزایش قدرت روحانیون تا حدی بود که دولت آبادی (روشنفکر سکولار) را عمیقاً نگران کرده بود:

بعد از حادثه دخانیه و اعتبارات فوق العاده که در این راه در مرکز ریاست روحانی هویدا شد و روحانیون پیرو سیاست مرکز هم از آن استفاده اعتباری کردند عموم روحانیون به استثنای وجودهای مقدس و منزله روحانی می‌کوشند تا در سیاست مملکت دخالت کنند و از این راه بر اعتبار خود بیفزایند. در صورتی که امتزاج سیاست و روحانیت نه تنها دامان روحانیت را لکه دار، بلکه اساس سیاست را هم متزلزل می‌سازد (دولت آبادی ۱۳۶۱ ج ۱: ۱۳۶).

متأسفانه عدم تداوم وضعیت به وجود آمده (نفوذ روزافزون علما و روحانیان) و اتفاقات بعدی مانع از آن شد تا بدانیم این سخن دولت آبادی تا چه میزان به واقعیت نزدیک است.

سخن پایانی

در نگاه اول، در مورد ماهیت جنبش ضد رژی دو فرض اصلی جلب توجه می‌کند: اول اینکه صدور حکم تحریم مستقیماً و بدون واسطه از سوی شخص میرزای شیرازی بوده که با توجه به مصالح جامعه اسلامی به چنین اقدامی دست زده است. دوم آنکه صادر کننده فتوا شخص دیگری است، اما با توجه به انتساب آن به مرجع عالی مقام شیعه و به دنبال آن اقبال گسترده مردم، میرزای شیرازی انتساب آن را به خود انکار نکرد و در مراحل بعد کاملاً آن را مورد تأیید قرار داد. دقت در اشارات مکرر امام خمینی به حکم میرزای شیرازی نشانگر باور ایشان به فرض نخست است. از نظر گاه ایشان و بسیاری از محققان دیگر، تفکر دینی و حکم مرجعیت تامه شیعه موجب خروش کم نظیر مردم علیه دربار سلطنتی قاجار و کمپانی انحصار طلب خارجی بود و جز این هیچ عامل محرک دیگری نمی‌توانست چنین جوششی در مردمی که سالها به صبر و تحمل مصایب خو گرفته بودند، پدید آورد. البته از نظر ایشان چنین جنبشهایی در ایران به جز جوهره دینی و مذهبی، واجد دو صفت اساسی دیگر نیز بودند: یکی مردمی بودن آن است، بدین معنا که بدون پذیرش و خواست مردم چنین نهضت‌هایی اساساً پدید نخواهد آمد و دوم آنکه هدف یک خیزش مردمی دینی برهم زدن آرامش و امنیت جامعه به قصد به دست گرفتن قدرت نیست، بلکه هدف قیام علیه ظلم و جور نظام حاکم (استبداد) و نظام جهانی (استعمار) است.

البته پیامدهای باور به فرض دوم (صدور حکم تحریم توسط شخص یا اشخاص دیگر و انتساب آن به میرزای شیرازی) نیز چندان تفاوتی با فرض نخست ندارد، چرا که چه سفارت روسیه در تهران و چه حاجی محمد کاظم ملک التجار و چه میرزا حسن آشتیانی و یا نایب السلطنه کامران میرزا و چه سید جمال الدین اسد آبادی و یا هر کس دیگری برانگیزاننده اعتراضات باشد، هیچ یک از آنها به صرف تحریک مردم و جعل فتوا نمی‌توانستند کاری از پیش ببرند و مسلماً همان ابتدای راه به وسیله دربار سرکوب می‌شدند. رهبران اصلی جنبش (جدای از اینکه چه کسانی بوده باشند) به درستی تشخیص داده بودند که تنها کانون قدرتی که می‌تواند در برابر دستگاه سلطنت و استبداد مقاومت کند و بر درخواستهایش پافشاری نماید، قدرت شرعی و مردمی مرجعیت تامه شیعیان است و همین امر خواسته یا ناخواسته صبغه دینی غلیظی را بر پیکر جنبش ضد رژی مسلط کرد. مرجعیت تامه شیعه نیز به هیچ وجه در راستای اهداف دولت روسیه و یا مطامع شخصی نایب السلطنه و حتی برای جبران زیانهای مالی صنف تاجر و کاسب قدمی

برنداشت. اگرچه این مسائل می‌توانست جزء امور تبعی و غیر مقصود آن باشد. بدین ترتیب از هر زاویه‌ای که به نهضت تنباکو بنگریم ماهیت دینی و مذهبی و نقش اساسی مرجع بزرگ شیعیان انکار ناپذیر است و این همان چیزی است که امام خمینی به عنوان یک مرجع دینی و رهبر یک انقلاب دینی در سخنانش بدان تأکید بسیار دارد.

منابع

- آبادیان، حسین. (۱۳۷۶) *اندیشه دینی و جنبش ضد رژی*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- آدمیت، فریدون. (بی تا) *ایدئولوژی نهضت مشروطیت*، تهران: نشر پیام، چاپ اول.
- _____ . (۱۳۶۰) *شورش بر امتیازنامه رژی*، تهران: نشر پیام.
- آژند، یعقوب. (۱۳۶۷) *قیام تنباکو*، تهران: کتابهای شکوفه.
- آفاری، ژانت. (۱۳۷۹) *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۵۷) *خلسه مشهور به خوابنامه*، به کوشش محمود کتیرایی، تهران: انتشارات توکا.
- _____ . (۱۳۷۷) *روزنامه خاطرات*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- اعظام قدسی، حسن. (۱۳۷۹) *خاطرات من یا تاریخ صد ساله*، تهران: انتشارات کارنگ.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۹) *صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ . (۱۳۸۵) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ . (۱۳۶۳) *در جستجوی راه از کلام امام*، دفتر شانزدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- امین الدوله، میرزا علی خان. (۱۳۷۰) *خاطرات سیاسی*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- براون، ادوارد. (۱۳۸۰) *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران: انتشارات کویر.
- دوران، بهزاد. (۱۳۷۷) «بازسازی نظریه انقلاب در آثار امام خمینی^(ره)»، *نامه پژوهش*، سال ۲، شماره ۸.
- دولت آبادی، یحیی. (۱۳۶۱) *حیات یحیی*، تهران: انتشارات عطار.
- رجبی، محمد حسن و فاطمه رؤیا پورامید [به کوشش]، (۱۳۸۴) *مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه*، تهران: نشر نی.
- روزدری، مولا علی. (۱۴۰۹ق) *تقریرات آیت الله المجدد الشیرازی*، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیا التراث.
- ساسانی، خان ملک. (۱۳۳۸) *سیاستگران دوره قاجار*، تهران: نشر بابک.

- صفایی، ابراهیم. (۱۳۶۳) *رهبران مشروطه*، تهران: انتشارات جاویدان.
- فوران، جان. (۱۳۸۲) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فوریه. (بی تا) *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- کاظم زاده، فیروز. (۱۳۷۱) *روس و انگلیس در ایران*، ترجمه منوچهر محمدی، تهران: شرکت سهامی انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کدی، نیکی. (۱۳۸۵) *تحریم تنباکو در ایران*، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- کربلایی، شیخ حسن. (۱۳۷۷) *تاریخ دخانیه*، به کوشش رسول جعفریان، قم: انتشارات الهدی.
- کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۸۴) *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۵) *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- محلاتی، حاج سیاح. (۱۳۵۹) *خاطرات حاج سیاح*، به کوشش حمید سیاح، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- محلاتی، شیخ ذبیح الله. (۱۳۶۸ ق) *مآثر الکبراء فی تاریخ سامرا*، نجف: مطبعه الزهراء.
- محیط طباطبایی، محمد. (۱۳۵۰) *نقش سید جمال اسدآبادی در بیداری مشرق زمین*، بی نا، چاپ اول.
- مُلک آرا، عباس میرزا. (۱۳۶۱) *شرح حال عباس میرزا، ملک آرا*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: نشر بابک.
- هدایت، مخبر السلطنه. (۱۳۶۳) *گزارش ایران*، به کوشش محمد علی صوتی، تهران: نشر نقره.
- هیدجی، ملا محمد علی. (۱۳۸۱) *رساله دخانیه*، به اهتمام علی اکبر ولایتی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.